



# شوش و میراث باستانی دشت شوشان

میر عابدین کابلی

خوزستان یا سرزمین قوم «خوز» در جنوب غربی ایران محدود است از شمال به لرستان و پشت کوه، از شرق به بختیاری و فارس، از جنوب به خلیج فارس و از مغرب به کشور عراق. وسعت آن نزدیک به ۱۱۷۳۱۳ کیلومتر مربع است. رودهای کارون، دز، کرخه و جراحی از رودخانه‌های بزرگی هستند که این سرزمین را آبیاری می‌کنند. افزون بر این رودخانه‌ها، رودهای دیگری همچون شائور در این دشت جریان دارند که کوچکتر و کم‌آب‌ترند و همین رود شائور است که تمدنهای زیادی را در کرانه‌های خود پرورانده است. جلگه خوزستان از رسوبات این رودخانه‌ها تشکیل شده است. از سویی باید توجه داشت که به دلیل همین خاصیت رسوبی خاک به مرور بر عمق بستر رودخانه‌ها افزوده می‌شود و طبیعی به نظر می‌رسد که آن همه گل و لای به خلیج فارس سرازیر شود ۱، لذا برخی از زمین‌شناسان (هم‌چون ژاک دمرگان که در شوش به مدت شانزده سال به کاوش پرداخت) عقیده داشتند که لای این رودخانه‌ها و دجله و فرات با ته‌نشست شدن، در دهانه‌های خود موجبات پیروی خلیج فارس را باعث گشتند. هم‌او عقیده داشت که کارون، دجله و فرات بدون واسطهٔ اروندرود مستقیماً وارد خلیج فارس می‌شدند، البته این نظریه به وسیله J.G.Falcon و G.M.Lees رد شد.

تشریح چگونگی جغرافیای دشت خوزستان بحث جداگانه‌ای را درخور است که ورود به آن موجب طولانی شدن این گفتار خواهد شد. ولی ناگفته نماند که گذشته از حاصلخیزی خاک و رودخانه‌های پرآب، بارانهای مناسب فصلی که حد متوسط آن ۲۸۲/۱ میلیمتر در سال است (متوسط باران ۱۹۷۵-۱۹۶۱) نیز در این رهگذر نقش مهمی دارد.

این سه عامل از عوامل عمده جلب و استقرار انسان در گذشته نیز بوده است. با شواهد باستان‌شناسی حدود نه هزار سال پیش نخستین گروه از مهاجران وارد این سرزمین شده و در کناره‌های رودخانه‌ها سکونت گزیده و به گذشت زمان بر عده آنان افزوده گشت. نخست از طریق زاد و ولد و دیگر از راه مهاجرتهای تازه.

هر چند فعالیتهای باستان‌شناسی در خوزستان نسبتاً زیاد بوده و اطلاعات به دست آمده نیز دارای ارزش بسیار است ولی متأسفانه مطالعات انسان‌شناسی به هیچ وجه همپای باستان‌شناسی نبوده است. شاید بتوان این مسئله را معلول دو علت به شمار آورد، نخست نوبیایی این دانش در ایران نسبت به باستان‌شناسی و دیگر کم توجهی گروههایی که در این محوطه‌های باستانی به کار پرداخته‌اند، حال آنکه این دو علم می‌بایست در کنار هم قرار گیرند تا نتیجه مطلوبی به دست آید. این گفتار سعی بر آن دارد خواننده را گذرا با آثار باستانی این دشت و پدید آورندگان آنها آشنا سازد، لذا از نخستین گامهای انسان در پهن‌دشت خوزستان یعنی از نه هزار سال قبل شروع و تا سده‌های میانی بعد از اسلام ادامه می‌یابد. نگارنده برای نوشتن این مطلب بیشتر به مدارک و شواهد باستان‌شناسی توجه داشته و سعی بر آن است از کتابها و مقالاتی که بر پایه کاوشهای باستان‌شناسی پدید آمده‌اند استفاده نماید. در مواردی نیز به نوشته مورخین و جغرافیایان دوره‌های اسلامی مراجعه شد که این برداشتها و ارجاعات بسیار اندک بوده و فقط دوره‌های اسلامی را در بر می‌گیرد. این بدان روی بوده است که این دسته از نویسندگان به هیچ روی از مهاجرتها و سرنوشت انسانهای نخستین حتی از دوره‌های ایلامی اطلاعاتی به دست نمی‌دهند. از دوره‌های تاریخی (هخامنشی،

اشکانی و تا اندازه‌ای ساسانی) نوشته‌ها آنچنان مغشوش، ناقص و نادرست است که به هیچ روی با حوادث تاریخی هماهنگی ندارند. به سخن آخر هدف این گفتار معرفی آثار باستانی و تا اندازه‌ای تاریخ دشت خوزستان است که بر اساس مدارک باستان‌شناسی تدوین شده است.

در نوشتن این گفتار از راهنمایی‌های ارزنده دوستان عزیز باستان‌شناسم، آقایان عنایت‌الله امیرلو، سید منصور سجادی و نصرت‌الله معتمدی برخوردار بودم که سپاسگزار محبت‌هایشان هستم. جدول برابری فرهنگ‌های دشت خوزستان با خط خوش آقای حسن قراخانی نوشته شد که لطف ایشان را ارج می‌نهم.

کنون محوطه‌های بسیار زیادی شناسایی و ثبت گردیده و در حال حاضر اطلاعات ارزنده‌ای نیز از هر یک از محوطه‌ها در دست است. البته تا به امروز در همه محوطه‌های بررسی شده این منطقه عملیات کاوش انجام نگرفته، بلکه به خاطر فراوانی محوطه‌ها تنها محوطه‌های مهمی چون چغابنوت، بُنه فِضیلی و چغامیش در منطقه دزفول، تپه‌های جعفرآباد، جوی، بندبال، بوهلان و شوش در منطقه شوش و هفت‌تپه و چغازنبیل در حوزه هفت‌تپه مورد کاوش قرار گرفته‌اند (بنگرید به نقشه پراکندگی محوطه‌های باستانی)، که ما در این گفتار به اختصار به شرح آنها می‌پردازیم.

### فرهنگ‌های پیش از تاریخی خوزستان

بیشتر محوطه‌های پیش از تاریخی در اطراف تپه‌های شوش و در فاصله ۳ تا ۱۵ کیلومتری شمال یا شرق آن واقع شده‌اند.

در برخی از این تپه‌ها مقارن با آغاز حفاریات در شوش (اوایل قرن حاضر میلادی) کاوشهایی انجام گرفت. لویی لوبرتن در دهه ۱۹۴۰ دز هر یک از این تپه‌ها با دقت و امعان‌نظر به کار پرداخته و بر اساس کاوشهای خود جدولی از تمدنهای پیش از تاریخی خوزستان موسوم به «سوزیانا» تهیه و تدوین نموده است. ۴ در سالهای اخیر خانم ژنویو دلفوس با کاوشهای نسبتاً محدودی در محوطه‌های جعفرآباد، جوی و بندبال جدول پیشنهادی لوبرتن را بازبینی و در نهایت و براساس این کاوش و دیگر پژوهشهای انجام شده جدول تازه‌ای مطرح و پیشنهاد نموده است. ۵

از آنجایی که این جدول تازه با مقایسه‌های گاهنگارانه دقیق تمدنهای دیگر از جمله تپه‌های چغامیش، بُنه فِضیلی، چغابنوت، شرف آباد، قبر شیخان و فرخ‌آباد که جملگی در حوزه شوش و دزفول واقع شده‌اند ترسیم شده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اینک می‌دانیم که این مناطق از هزاره هفتم پیش از میلاد مسکونی بوده و اجتماعاتی نیز در هر یک از آنها وجود داشته است. از سوی دیگر باید در نظر داشت که انسانهای مستقر در خوزستان احتمالاً از منطقه دهلران به این دشت سرازیر شده‌اند، زیرا کاوشهای متعددی که در آنجا

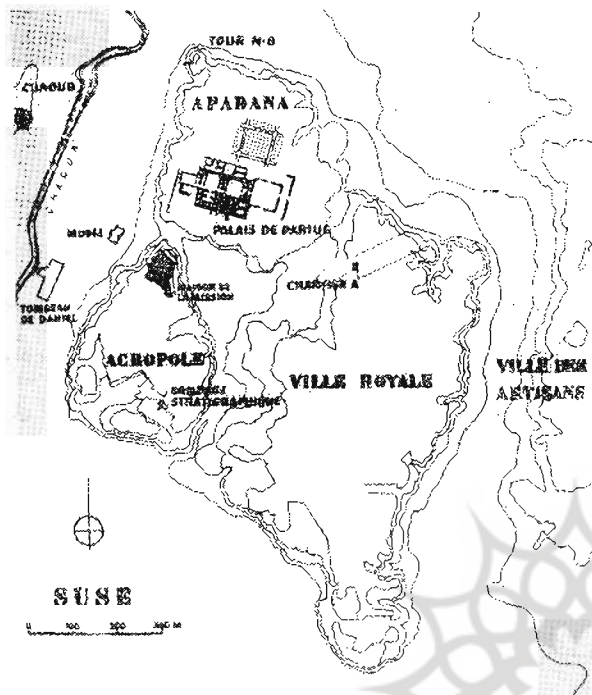
### وضعیت جغرافیایی و محوطه‌های باستانی

سرزمین خوزستان در جنوب غربی ایران واقع شده است. این دشت از مشرق به کوه‌های فارس، از شمال به کوه‌های لرستان و از جنوب به خلیج فارس محدود می‌شود و این در حالی است که بخشهای غربی آن با دشت بین‌النهرین پیوند خورده است. بخشهای شرقی و شمالی خوزستان دارای ارتفاعات بیشتر و پستی و بلندیهای افزونتری است در صورتی که از سمت جنوب و مغرب صاف و هموار می‌باشد. دشت پهناور و حاصلخیز خوزستان به وسیله جویبارها و رودهایی همچون کرخه، کارون، دز، شائور و دیگر رودخانه‌ها مشروب می‌شود. این دشت در زمانهای گذشته به سبب وجود همین موقعیت خاص جغرافیایی و اوضاع اقلیمی و طبیعی مناسب مورد توجه انسانها قرار گرفته است.

در این دشت، مطالعات فراوانی از دیدگاه باستان‌شناسی تاکنون انجام پذیرفته و اطلاعات نسبتاً جامعی از آن به دست آمده است. دقیقترین پژوهش و بررسی را شاید بتوانیم از آن رابرت آدامز بدانیم. نقشه پراکندگی جمعیت و شهرنشینی رسم شده به وسیله وی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ۲ اخیراً نیز پیر دومیروشجی نتیجه بررسیهای خود در دشت خوزستان را منتشر کرده که دارای ویژگیهای خاصی است و می‌تواند مکمل کارهای آدامز باشد. ۳ بر اساس این دو پژوهش و پژوهشهای بی‌شمار دیگر تا

که در شرق این دو تپه جای دارد را «شهر شاهی»<sup>۹</sup> نام دادند و کلیه محوطه سمت شرق و شمال این فضای پهنای را به نام «شهر پیشه‌وران»<sup>۱۰</sup> یاد کرده‌اند. (عکس شماره ۱)

۱ نقشه تپه‌های شوش.



صورت گرفته وجود فرهنگهای کهنتری را در منطقه، در ارتباط با تمدنهای خوزستان به اثبات رسانیده است. ۶. مطمئناً این فرضیه (مهاجرت ساکنین خوزستان از منطقه دهلران به این دشت) با مطالعات انسان‌شناسی امکان‌پذیر خواهد بود. امید است با انجام کاوشهای جدید و به دست آوردن مواد مطالعاتی لازم در اثبات یا نفی این فرضیه آشکار شود.

در اینجا قصد ما وارد شدن به مباحث تاریخی، فرهنگی و باستان‌شناسی محوطه‌های نام برده نیست و تنها اشاره می‌کنیم که در هر یک از این محوطه‌ها علاوه بر اشیاء و دست‌ساخته‌های ارزنده (با توجه به زمان آثار) نشانه‌هایی از معماری نیز پدیدار شده که همگی در شناسایی چگونگی زیست و معیشت ساکنان منطقه حائز اهمیت فراوان است.

برای آشنایی بیشتر از وضعیت تمدنهای باستانی دهلران و دشت خوزستان آخرین جدول فرهنگهایی که به وسیله خانم ژنویو دلفوس (سرپرست کاوشهای باستان‌شناسی جعفرآباد، جوی و بندبال) که با مشورت خانم هلن کتور و پیر پنهاس دلوگاز (سرپرستان گروه باستان‌شناسی چغامیش و بنه فضیلی) تهیه شده است، آورده می‌شود. (به جدول پیوست مراجعه شود)

## شوش

در آغاز هزاره چهارم ضمن اینکه زندگی در برخی از محوطه‌های یاد شده استمرار داشت به یکباره زندگی در محلی تازه که امروزه «شوش» نام دارد، آغاز می‌شود.

تپه‌های شوش تقریباً در ۵۰ کیلومتر جنوب اندیمشک و کنار جاده‌ای که از این شهر (اندیمشک) به سمت اهواز کشیده شده واقع شده است. وسعت این محوطه بنابر شواهد باستان‌شناسی نزدیک به چهارصد هکتار است. این محوطه پهنای در بین دو رود بزرگ کرخه (در غرب) و دز (تقریباً در شرق) جای گرفته است. در دهه‌های پایانی سده گذشته میلادی وقتی پای فرانسویان به شوش رسید، پس از تهیه نقشه‌های مختلف بر اساس وضعیت تپه‌ها و شیب و فرازهای آن، این محوطه را به چهار قسمت تقسیم و نام‌گذاری کرده‌اند که امروز نیز به همین نامها شهره‌اند. تپه بلندتر که در جنوب غربی واقع شده را «ارگ»<sup>۷</sup>، تپه شمالی را «آبادانا»<sup>۸</sup>، تپه سوم

در شوش طی یکصدسال کاوش نشانه‌هایی از تمدنهایی از آغاز هزاره چهارم پیش از میلاد تا سده هفتم هجری شناسایی شده است. این تمدنها در کنار و یا روی هم جای گرفته‌اند، بدون هیچ وقفه‌ای طی تاریخ طولانی این دشت تداوم داشته‌اند و این خود یکی از ارزشهای ویژه این محوطه باستانی است که آن را از دیگر محوطه‌های باستانی متمایز می‌سازد.

لایه‌های باستانی با بیش از پنج‌هزار سال بر روی تپه‌های طبیعی شکل گرفته و تکوین یافته است. بدین سان که لایه نخستین یا اولین سکونت انسان یعنی لایه بیست و هفتم شوش (در تپه ارگ) بر روی ارتفاعی به وجود آمده است که از سطح دشت مجاور حدود ده متر بلندتر است.

همزمان با دوره یک تا سه جعفرآباد یعنی دوره پایانی فرهنگ «سوزیانا» به یکباره منطقه مسکونی تازه‌ای در

مکانی جدید و در کنار رودخانه نسبتاً پربابی همچون «شاور» ایجاد شده که امروزه به شوش شهرت دارد. چنین به نظر می‌رسد که در لایه بیست و هفتم شوش، ابتدا معبد عظیمی ساخته می‌شود که در گرداگرد آن مراکز سکونتی ایجاد شده است و به این ترتیب شوش مرکزی می‌یابد. شوش در این هسته اولیه، تمام تجربیات گذشته فرهنگهای همجوار را در خود جمع کرده. آثار سفالی و سنگی آن نمونه‌های ارزنده‌ای است که در ظرافت و زیبایی تفاوت نسبتاً زیادی با گذشته دارند. نقوش روی سفال ضمن اینکه تداوم همان فرهنگهای پیشین است، علاوه بر ریزه کاریهای بیشتر، به نظر می‌رسد مفاهیم تازه‌تری نیز یافته باشند. از سوی دیگر وضعیت اجتماعات به نحوی است که زندگی بشر وارد مرحله تازه‌ای گردیده است و وجود همین معبد بزرگ خشتی که مرکزی برای تجمع و شهرنشینی محسوب می‌شود نشانه‌ای برای شکل سازمانهای جدید شهری است. این دوره که به دوره «شوش یک» معروف است سرآغاز تمدنهای دیگری است که بیش از پنج هزار سال ادامه یافته است.

گروههای باستان‌شناسی فرانسوی طی قریب به یکصد سال کاوش ضمن به دست آوردن آثار فراوان و تعبیر و تفسیر آنها، به اطلاعات بسیار ارزشمندی نیز دست یافتند که در سلسله گزارشهایی به چاپ رسیده است.

این انتشارات بیشتر جنبه گزارشی داشته و مسائل فنی و علمی مربوط به کاوش را دربر دارند ولی بر بنیاد این گزارشها تاکنون صدها جلد کتاب و مقاله تحقیقی و علمی تألیف و تدوین شده است و باز بر همین اساس است که امروزه اطلاعات نسبتاً جامعی از وضعیت تمدنها و فرهنگهای پیش از تاریخی و تاریخی و اسلامی ایران در منطقه خوزستان فراهم آمده است.

شوش با داشتن معبدی بزرگ به مرور مرکزیت کلیه مناطق مسکونی در دشت خوزستان را به دست آورد و در سده‌های پایانی هزاره چهارم یعنی حدود ۳۲۰۰ سال پیش از میلاد وارد مرحله نوینی شد که به دوره پیدایش خط معروف است. زندگی در شوش تا این تاریخ فقط منحصر به تپه «ارگ» یا «اکروپل» است.

در سده‌های آغازین هزاره سوم که اوج تشکل اجتماعات است نخستین سازمانهای اداری و سیاسی در ایران تکوین می‌یابند که پیش از این رشته کاوشها حتی نامی از آنها در کتب تاریخی نبوده است. این دوره که از جهت تاریخی فرهنگی، تمدن «ایلام» نامیده می‌شود در آغاز هزاره سوم پیش از میلاد یا به درستی حدود ۴۹۰۰ سال قبل در خوزستان پا گرفت و سلسله‌ها و پادشاهان ایلام بیست و دو قرن بر قسمتهای جنوبی و جنوب غربی و تا اندازه‌ای غرب ایران فرمانروایی داشته‌اند.

قلمرو حکمرانی پادشاهان «ایلام» تا کنون به طور مشخص آشکار نشده ولی با شواهد و مدارک موجود باستان‌شناسی می‌توانیم تا اندازه‌ای به گسترده‌گی و حدود آن دست یابیم و نقشه امپراتوری ایلام در دوران اوج قدرت را بدین سان ترسیم کنیم:

از مغرب به بین‌النهرین، از مشرق به دره سند، از جنوب به خلیج فارس و از سمت شمال به کویر مرکزی فلات تانواحی اصفهان. ۱۱

این سرزمین پهناور از ایالات چندی تشکیل می‌شد که عبارت بودند از «ایلام»، «سیماش» یا «سیماشکی» ۱۲ «آوان» ۱۳ «انزان» ۱۴ یا «انشان» ۱۵ و احتمالاً «آراتا» ۱۶. طبیعی است که هر یک از این ایالات دارای شهرها و آبادیهای متعدد نیز بوده‌اند. ۱۷ به هر حال وسعت این امپراتوری به هر اندازه که بود و ایالات آن هر تعدادی که باشد مرکز این کشور پهناور شوش بوده است. در همین جا باید بیفزاییم که در دو دوره نسبتاً کوتاه، پایتخت از شوش ابتدا به هفت تپه امروزی (آغاز سده شانزدهم ق.م.)، سپس به چغازنبیل منتقل شد (دهه‌های نخستین سده سیزدهم ق.م.)

در مدت بیست و دو قرن سلسله‌هایی چند بر سرزمین ایلام حکومت کرده‌اند که عبارتند از:

۱- سلسله پادشاهان آوان از ۲۶۷۰ تا حدود ۲۲۰۰ پیش از میلاد.

۲- یک وقفه کوتاه و دوره تاریک اول در تاریخ ایلام به علت نبود داده‌های باستان‌شناسی.

۳- سلسله پادشاهان سیماش از ۲۱۰۰ تا ۱۸۵۰ پیش از میلاد.

الف: دوره سلسله ابارتی ۱۸ از ۱۸۳۰ تا ۱۵۰۵ پیش از میلاد

ب: دوره ۱۵۰ ساله یا دوران تاریک دوم؛ آثار باستانی هفت تپه (تپه آهار ۱۹ پادشاهی از این دوره ۲۰ بوده است.)

ج: دوره سلسله ایگهالکی ۲۱ (انزان) از ۱۳۵۰ تا ۱۲۱۰ پیش از میلاد.

د: دوره سلسله شوتروکی ۲۲ از ۱۲۰۵ تا ۱۱۱۰ پیش از میلاد

ه: سومین دوره تاریک

و: سلسله پادشاهان ایلامی نو از ۷۶۰ تا ۶۴۰ پیش از میلاد. ۲۳

هر چند جدول ارائه شده چگونگی تقدّم و تأخّر سلسله‌های حکومتگر ایلامی را نشان می‌دهد ولی هنوز مطالب و پرسشهای بسیاری وجود دارد که پاسخی برای آنها نیست. مسلماً با ارائه کاوش در محوطه‌های ایلامی آگاهیهای تازه‌تری به دست خواهد آمد و هم چنانکه در سال ۱۳۶۱ آثار بسیار ارزشمندی از منطقه ارجان بهبهان به دست ما رسیده است. در این جای نوشته‌ای پیدا شد به نام «کیتن هوترن» ۲۴ برمی‌خوریم و این نامی است که هنوز درباره‌اش اطلاعات چندانی در دست نیست، ولی اشیاء و آثار به دست آمده گویای فرهنگی است بسیار والا و به طور کل مقبره‌ای که این آثار از آن به دست آمده در عین سادگی دارای پیچیدگیهای فراوان است. ۲۵

در کاوشهای شوش از دوره ایلامیها آثار معماری فراوانی ظاهر شده که نمودار چگونگی پیشرفت و تکامل فنون معماری و ساختمانی و حتی شهرسازی است. از دوره آغاز شهرنشینی (میان هزاره چهارم پیش از میلاد) مَه‌ری به دست آمد که بر روی آن عملیات ساختمانی کنده شده و شکل دو اتاق دیده می‌شود که سقف آنها گنبدی است و این موضوع از جهت تاریخ معماری و هنر دارای ارزش فراوانی است و با توجه به زمان و پیچیدگی ساختمان سقفهای گنبدی اعتبار بیشتری می‌یابد. نقش مهم دیگری نیز از همین دوره از شوش

(تپه ارگ) به دست آمد که معبد دیگری را به تصویر کشیده. این معبد بر روی سکوی بزرگ و بلندی بر پا شده است. برخی برآند که این تصویر احتمالاً شکل معبد بزرگ شوش است. ۲۶

اگر چنین باشد با توجه به اینکه این معبد حدود شش هزار سال قبل بر پا شده است شاهد زنده‌ای از پیشرفت فرهنگ و تمدن مردمان این عصر است. ساختمانهای نخستین از خشت و گل و تزئینات بیرونی و درونی هم از این موارد است و در مواردی با روکش گچ و یا نقاشیهای دیواره‌ای است، لکن به مرور آجر هم وارد زندگی بشر شده و می‌بینیم که نمای بیرونی بناها آجرکاری است و در پاره‌ای موارد معمار با ظرافت و مهارت با بازی با آجر و تعبیه طاقچه و طاق‌نما و امثال آن بر زیبایی بنا افزوده است. به موازات پیشرفت مسائل ساختمانی و پیچیدگیها و وسعت و غیر آن، دگرگونیهای در تزئینات بنا نیز ایجاد شد. از جمله از اواسط هزاره دوم و پس از آن که شیشه وارد زندگی بشر شد، آجرهای لعاب‌دار رواج می‌یابد و از همین زمان است که معماران با استفاده از لعاب و رنگ، طرحهای نوینی برای تزئین بنا ایجاد کرده‌اند که سرآغاز هنر کاشی‌کاری است. از معبد اینوشیناک - سده دوازدهم پیش از میلاد - مقدار نسبتاً زیادی آجر منقوش برجسته به دست آمد که نقوش آنها را انسانهایی تشکیل می‌دهند که به جای پای انسانی با پای چهارپایان نشان داده شده‌اند و در فواصل هر یک از نقوش و انسانها، نقش برجسته درخت نخل قرار دارد و ارتفاع این نقوش ۱/۳۷ متر است. ۲۷ این آجرها، پس از آجرهای معبد چغازنبیل قدیمیترین نوع آجرهای لعابدار به شمار می‌روند که بعدها هخامنشیان نیز در همین محوطه باستانی از این شیوه استفاده کرده‌اند.

در شوش کمتر نقوش برجسته و مجسمه‌های سنگی از دوره ایلامی یافت شده، لکن مجسمه‌های فراوانی از فلز و گل و یا مواد دیگر به دست آمده‌اند که در اندازه‌های مختلف برای تزئین بناها کاربرد داشته است. ناگفته‌نماند که در نقاط بسیاری نقوش کنده شده از این دوره بر روی صخره‌ها و دیواره کوهها دیده شده است که به طور نمونه می‌توان از

نقوش کُولِ فَرَح و اِشکفَتِ سلمان در منطقه مال‌امیر،  
نقش‌رستم در فارس و کورانگون در نورآباد فارس و بسیاری  
نقاط دیگر نام برد.

از این دوره مجسمه‌های فراوانی بر جای مانده است که  
عموماً ناقص و شکسته هستند. برخی از اینها متعلق به خدایان  
ایلامی و پاره‌ای از جانوران و حیوانات به صورت طبیعی یا  
افسانه‌ای و برخی نیز از پادشاهان و شخصیت‌های گوناگون  
است. شاهکار هنر مجسمه‌سازی دوره ایلامی‌ها مجسمه منکه  
ناپراسو همسر اوتاش گال بنیانگذار شهر دوراوتاشی یا  
چغازنبیل امروزی است.

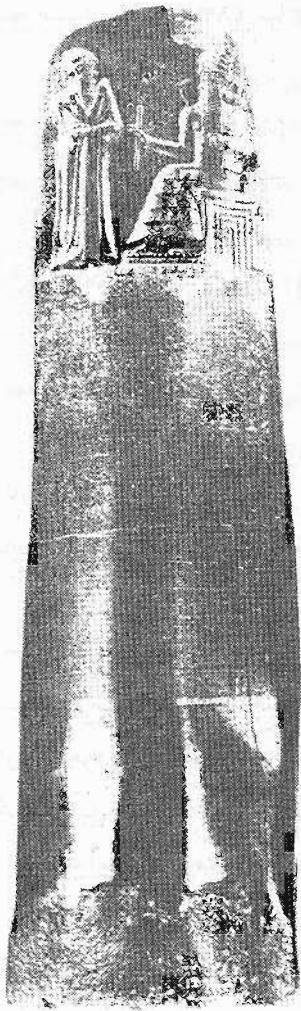
در اینجا از میان آثار ارزشمندی که از کاوشهای  
شوش به دست آمده و راهی دیار دیگر شد. چند نمونه را نام  
می‌بریم:

### ۱- قانون‌نامهٔ حمورابی ۲۸

قانون‌نامهٔ حمورابی در کاوشهای دمرگان در تپهٔ ارگ  
در سال ۱۹۰۲ میلادی کشف و به موزهٔ لوور در فرانسه ارسال  
شد. خط این نوشته از نوع میخی بابلی کهن است.  
این اثر را به همراه آثار ارزنده دیگری، شوتروک  
ناهوته ۲۹ پادشاه ایلامی حدود سال ۱۱۶۰ پیش از میلاد طی  
جنگ سختی به غنیمت گرفت و به شوش آورد.  
در سال ۶۴۰ پیش از میلاد آشور بانی‌بال ۳۰ پادشاه  
آشور ضمن حمله به سرزمین ایلام و شکست سختی که بر این  
کشور وارد آورد به این اثر و سایر آثار ایلامی در شوش  
آسیب فراوانی وارد آورد (تصویر شماره ۲)

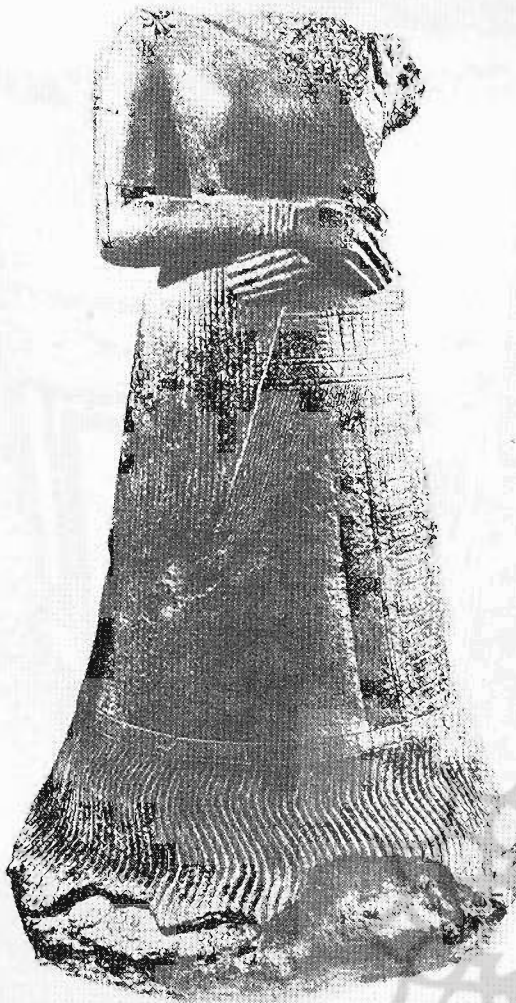
### ۲- ستون یادبود نارام سین ۳۱

نارام سین از پادشاهان اکدی ۳۲ و فرزند سارگون ۳۳  
(۲۲۱۸-۲۲۵۴ پیش از میلاد) است. از این پادشاه آثار  
فراوانی در کاوشهای باستان‌شناسی به دست آمده است. از  
آنجا که جایگاه فرمانروایی نارام‌سین در بین‌النهرین بوده  
بدیهی است که بیشترین آثار دورهٔ وی در آن سرزمین  
می‌باشد. اما همچنان که پیش از این اشاره شد شوتروک  
ناهوته فرمانروای ایلام آثاری را به نشانهٔ پیروزی از  
بین‌النهرین به کشور خود و شوش حمل نمود که از آن جمله از  
ستون یادبود نارام سین می‌توان نام برد. این ستون نزدیک به

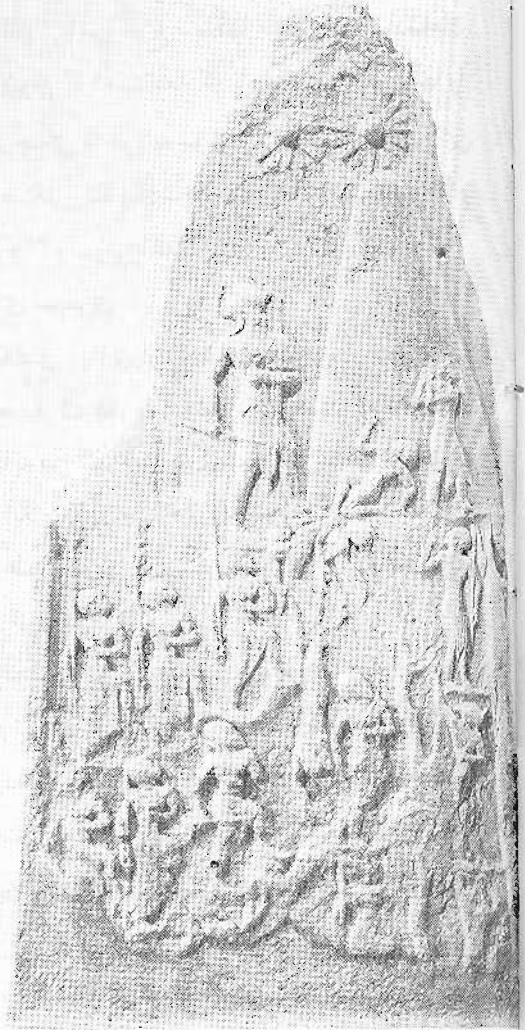


۲- لوح قانون‌نامهٔ حمورابی پادشاه  
بابل (۱۷۹۲ تا ۱۷۵۰ ق.م).

دو متر ارتفاع دارد و بر آن پیروزی نارام‌سین بر گروهی از  
کوه‌نشینان زاگروس یعنی لوتویان ۳۴ نقش شده است.  
در این نقش برجسته نارام سین که تاج شاختاری بر سر  
و تیرکمانی در دست دارد در جلوی کوه بلندی ایستاده و  
شمس ۳۵، خدای خورشید بالای سرش تابان است. در پایین  
ردیف اسیران نشان داده شده‌اند که در لابه‌لای درختان  
حرکت می‌کنند. نقش روی این ستون از جهت هنری بسیار در  
خور توجه است ۳۶ (تصویر شماره ۳).



۴ - مجسمه ملکه ناپیراسو.



۳ - ستون یادبود نارام سین

## ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ۳ - مجسمه ملکه ناپیراسو ۳۷

سیزدهم پیش از میلاد، مقام زن در اجتماع... در خور پژوهش است. در پشت مجسمه نوشته‌ای به خط ایلامی میانه دیده می‌شود که حاوی نام ملکه و نفرین به کسی است که نسبت به مجسمه اهانت نماید (تصویر شماره ۴).

ملکه ناپیراسو همسر اونتاش گال ۳۸ پادشاه ایلامی (۱۲۶۵-۱۲۴۵) بنیادگذار شهر دوراونتاشی (چغازنبیل) است. از این ملکه مجسمه‌ای بر جای مانده است. این مجسمه که از محل گردن شکستگی دارد و سر آن مفقود شده است از برنز ساخته شده و ارتفاع فعلی آن  $1/39$  متر و دارای ۱۷۵۰ کیلوگرم وزن است که از معبد نینهور ساگ ۳۹ در شوش کشف شده است، اینکه در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود. ۴۰ این اثر از دیدگاه‌های گوناگونی چون پیشرفت و تکامل هنر مجسمه سازی در دوره ایلامی، چگونگی لباس زنان در سده

### ۴ - سفالینه‌های شوش

پیشتر اشاره شد که در تپه ارگ یا اکروپل ۲۷ لایه باستانی شناسایی شده که لایه بیست و هفتم کهنترین آنها است. در این لایه (لایه بیست و هفتم) و در اطراف معبد بزرگ شوش ضمن کاوش به گورستان عظیمی برخورد شد که بنا بر

## ۵- سنگهای کودورو (۴۱)

تعدادی از این نوع سنگها متعلق به پادشاهان بین‌النهرین از شوش به دست آمد که پادشاهان ایلامی آنها را به عنوان غنایم جنگی با خود به شوش آورده‌اند. مهمترین این کودوروها متعلق به پادشاهان نازیماروتاش دوم ۴۲ و کاشتلیاش سوم ۴۳ و ... می‌باشد ۴۴

## ۶- مجسمه‌های سومری

مجسمه‌های زیادی از پادشاهان سومر در شوش به دست آمده که معرف قدرت دولت ایلام است که به هنگام تهاجم ایلامیها به بین‌النهرین با شکست دشمن به عنوان غنیمت و نشانه تملط ایلام بر آن سرزمین، به شوش آورده شده‌اند. در کاوشهای علمی شوش به دست آمده که از میان آنها برای نمونه می‌توان از مجسمه آشوناک ۴۵ یاد کرد.

## ۷- مجموعه مجسمه‌های کوچک و جواهرات

از کاوشهای شوش جواهرات و مجسمه‌های کوچک بی‌شماری به دست آمده است که متعلق به دوره‌های مختلفی است که در اینجا فقط اشاره‌ای به مجموعه مجسمه‌های زرین و سیمین و همچنین جواهرات شیشه‌ای اینوشیناک ۴۶ پادشاه ایلامی در اواخر هزاره دوم بسنده می‌کنیم.

این مجسمه‌های کوچک به بلندی متوسط ۵/۵ سانتیمتر که از طلا ساخته شده است. «بعضی از آنها دارای وقار و ظرافت بسیار و وارث سبک دوره سومری جدید می‌باشد که تا آن زمان هنوز مورد توجه بسیار بوده است. بعضی دیگر که بیشتر جنبه عیلامی [ایلامی] دارد، از هر جدی‌تر و منظم‌تری سرچشمه می‌گیرد.» ۴۷

## شوش در دوره هخامنشی

۵۵۰ تا ۳۳۰ قبل از میلاد

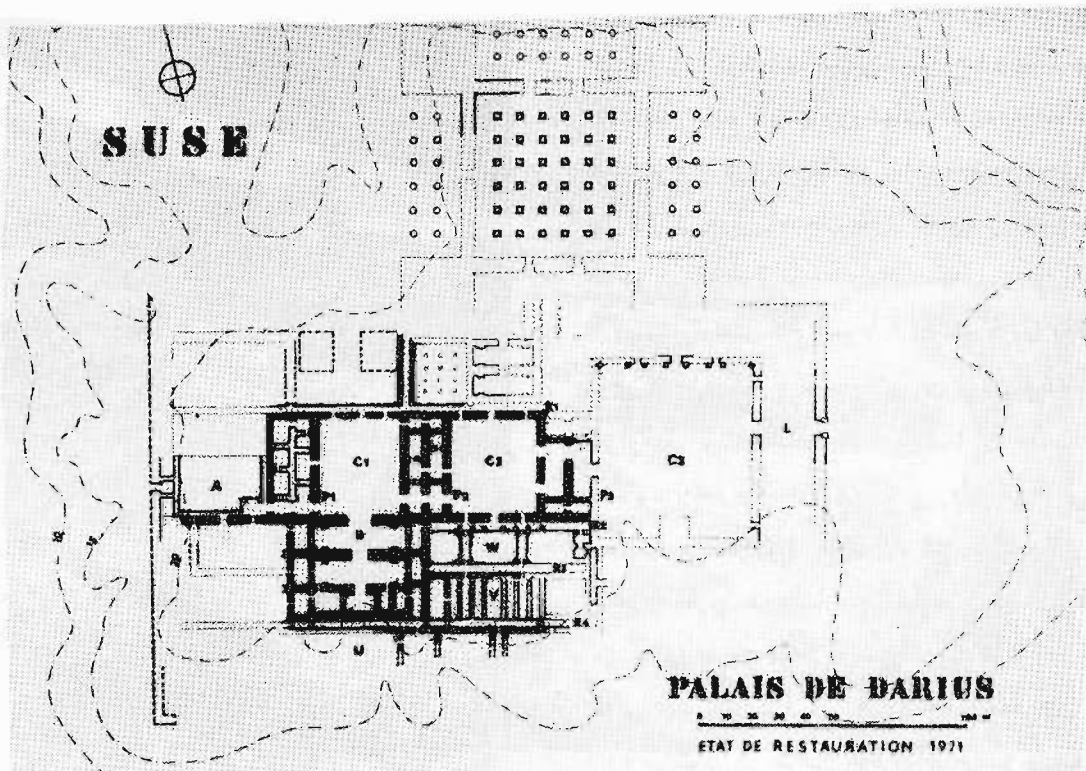
داریوش پادشاه هخامنشی پس از آنکه بر مدعیان سلطنت چیره شد و آرامش را دوباره به کشور بازگرداند. با توجه گسترده‌ی امپراتوری هخامنشی (از سند تا نیل) بر آن شد شوش را که تقریباً در مرکز امپراتوری واقع شده بود پایتختی برگزیند. بدون شک در این انتخاب شکوه و عظمت دیرینه شوش پایتخت فرمانروایان ایلام که وی خود را وارث آنان نیز می‌دانسته در نظر بوده است. از سوی دیگر چون



۵- لیوان سفالی - با نقش بز معرف فرهنگ شش هزار ساله شوش.

سنت زمان و اعتقادات مذهبی، مقداری اشیاء و لوازم زندگی نیز در قبور آن گذاشته شده بود. از جمله اشیاء این گورستان، ظرف‌های سفالین بسیار ظریف و زیبایی است که عموماً دارای نقوش تزیینی هستند که برخی از آنها دارای نقشهای جانورانی چون مار، مرغان آبی و جانوران دیگر است. اما بیشترین درصد نقوش از آن بز است. جام سفالین معروف و زیبای شوش که هم‌اکنون در موزه لوور نگهداری می‌شود از این گورستان به دست آمده و نقش بز بر روی این جام خود بهترین معرف اینگونه از نقوش و به خصوص بز می‌باشد (تصویر شماره ۵).





۶ - نقشه آپادانای شوش.

و پست آنرا با خاک پر کردند. بر روی این تختگاه ابتدا پی بنا کنده شده سپس دیوارها بر پا شد. ستونها در جای خود استوار گشت. در این زمینه کتیبه‌ای از داریوش بر جای مانده است که خود گویای مسائل فنی معماری این بنای معظم است (تصویر شماره ۷). داریوش پس از حمد و ثنای اهورامزدا و معرفی خود می‌گوید: «این کاخ "هدیش" است که در شوش کردم. از دور آرایش آن آورده شد. فرود بوم کنده شد تا در بوم به سنگ رسیدم. چون کنده شد با خرده سنگ پر شد. یکی ۴۰ ارش به بلندی، دیگری ۲۰ ارش به بلندی. بر آن خرده سنگ کاخ فراساخته شد. و این بوم فروکنده شد و با خرده سنگ پر شد و خشت زده شد. مردم بابل آن را کردند...» ۴۸ نکات چندی در این سنگ نبشته قابل توجه است: (۱) چون در طرح بنا ساخت دیوارهای بلند در نظر بوده لذا معمار زمین را تا خاک بکر حفر کرده تا بنا پی محکمی داشته باشد. (۲) چون تپه طبیعی است، در نتیجه پی سازی بستگی به فراز و نشیب تپه داشته است. (۳) چون ستونهایی با اندازه و وزن زیاد در بنا طرح‌ریزی شده بود، پی سازی می‌باید از استحکام کافی

پاسارگاد پایتخت کوروش و کمبوجیه (از شاخه دیگر هخامنشیان) بوده است او نخواست آن شهر را مرکز فرمانروایی خود سازد و از این رو شوش را به پایتختی خود برگزید. داریوش دستور داد تا کاخی باشکوه آن‌چنان که در خور فرمانروایی وی باشد در شوش بر پا دارند، لذا معماران با توجه به جمیع مسائل، تپه آپادانا را به این منظور انتخاب کردند. البته باید توجه داشت که این تپه نیز همچون «ارگ» دارای لایه‌های باستانی بر روی تپه ماهورهای طبیعی شکل گرفته است. بدین‌سان کاخ اصلی داریوش بر روی این تپه بنا شد و اقامتگاه‌های درباریان و تأسیسات دولتی بر روی دو تپه «ارگ» و «شهر شاهی» ایجاد شد.

آپادانا کاخی است مرتفع و پهناور که از واحدهای مختلفی تشکیل شده است. این واحدها شامل تالار بارعام، حرم‌سرا، دروازه، کاخ پذیرایی و دیگر بخشها است (تصویر شماره ۶).

در آغاز معماران گرداگرد تپه را دیواری قطور با ارتفاعی حدود بیست متر و قطری به همین اندازه بر پا داشتند

برخوردار باشد. به همین دلیل نقاط لازم را با سنگ و شن پر کرده و آنرا کوفته‌اند، سپس دیوارها و ستونها را برپا داشته‌اند و نتایج کاوشها، روشهای مورد بحث در کتیبه را تأیید می‌کند. در این رهگذر اشاره مختصری می‌شود که این سان کار کردن و ساختمان سازی از دیدگاه زمین لرزه و زلزله شناسی نیز در خور توجه فراوان است.

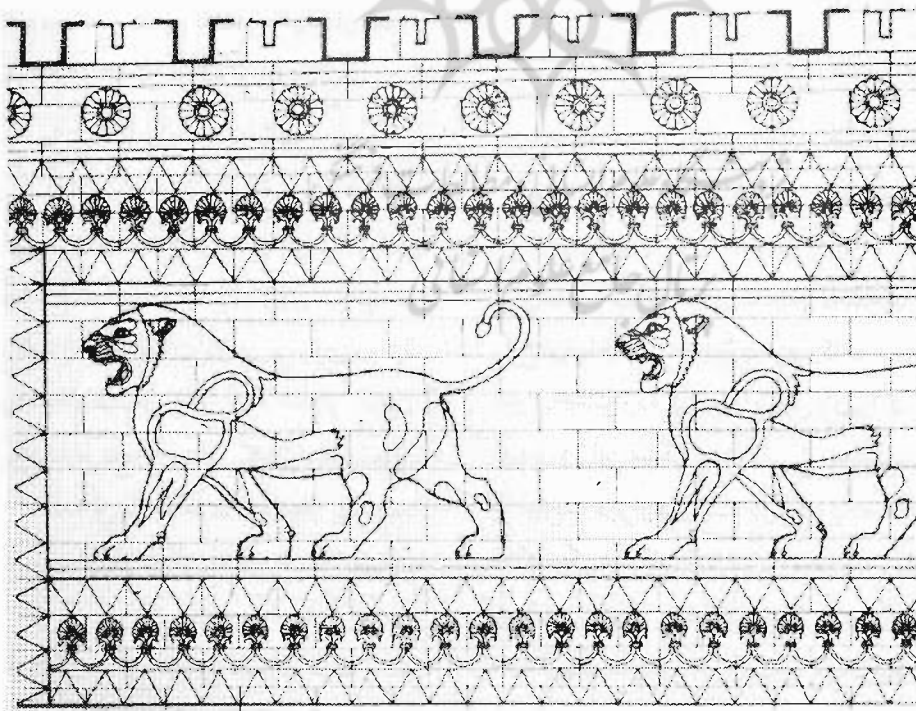
دیوارهای کاخ عموماً از خشت و گل ساخته شده و روی آن را با گچ یا نقاشی دیواری تزیین کرده بودند. البته دیوارهای ایوان سمت حیاط مرکزی با آجر لعاب‌دار پوشانیده شده بود (تصویر شماره ۸). که بر روی آن نقوش مختلف از جمله ردیف سربازان جاویدان، نقش شیر، جانوران افسانه‌ای همچون گاو یا شیربالدار، دال شیر با سر انسان، نقش فروهر، کتیبه‌هایی به خط میخی و غیره تزیین شده بود. علاوه بر این نقوش، نقش گل نیلوفر آبی (Lotus) در همه جای این تزیینات دیده می‌شود. در طرفین پله‌های کاخ نیز ردیف سربازان جاویدان مشاهده می‌شوند.

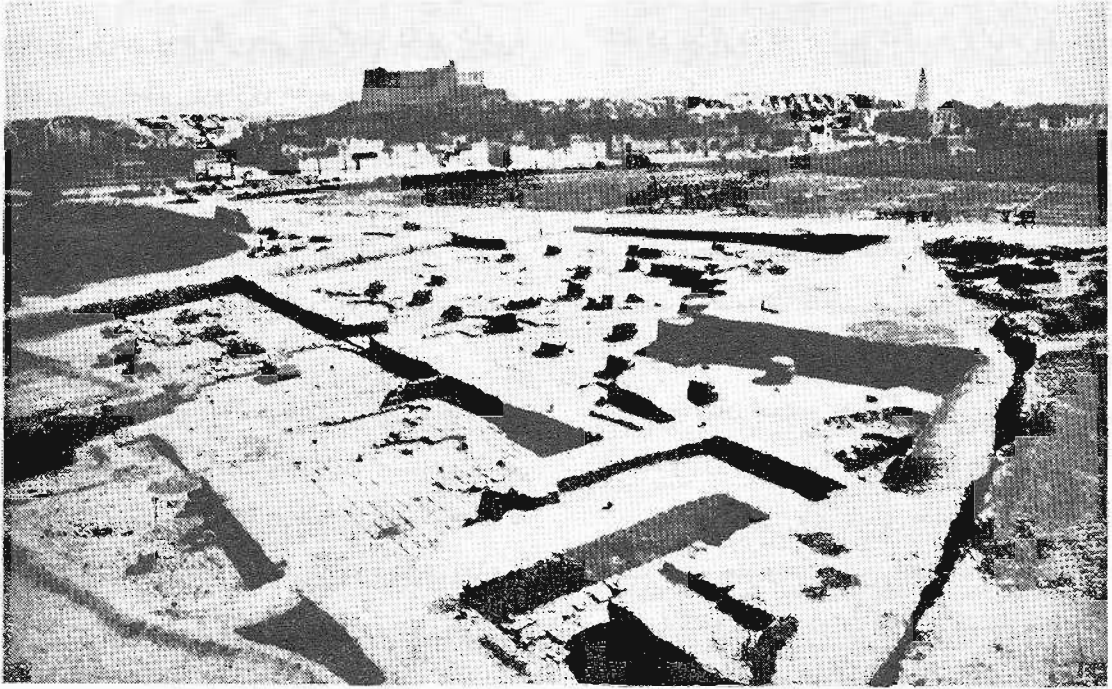


۷ - لوح پی کاخ آپادانای شوش از داریوش هخامنشی.

بخشی از آپادانا در زمان اردشیر اول (پس از سال ۴۶۱) دچار آتش‌سوزی شد و پس از آن قابل سکونت نبود.

۸ - آجرهای لعاب‌دار کاخ آپادانای شوش - نقش شیر.





۹- کاخ اردشیر دوم هخامنشی، شائور.

ستونها از سنگ بوده و دیوارها هم چون آپادانا از خشت است (تصویر شماره ۹). در اینجا دیوارها با رنگهای گوناگون نقاشی و رنگ آمیزی شده‌اند و در برخی از اتاق‌ها نشانه‌های گچ‌کاری نیز دیده می‌شود. ۵۰

در کاوشهای کاخ شائور قطعاتی چند از نقش برجسته سنگی و آجرهای لعابدار نیز به دست آمده است که حاکی از کاربرد و استفاده آنها در تزیینات کاخ می‌باشد. ۵۱ و نقوش برجسته سنگی شباهت کامل با نقوش تخت جمشید دارد.

هر چند پایه ستونهای این کاخ از سنگ ساخته شده‌اند ولی به احتمال زیاد ستونها از چوب بوده و روی آن را با گچ پوشانیده و با رنگ نقاشی کرده‌اند. ۵۲

بر چند پایه ستون این کاخ کتیبه‌ایی نقر شده که طبق معمول به سه خط بابلی، ایلامی و فارسی باستان‌اند. در این کتیبه‌ها با نام "اردشیر" روبه‌رو هستیم ولی معلوم نیست کدام یک از اردشیرهای سه‌گانه است ولی با قرائن و شواهدی می‌توان استنباط داشت که به احتمال زیاد این کاخ به وسیله اردشیر دوم ساخته شده باشد.

داریوش دوم در مدت زمان بیست سانه پادشاهی خویش در صدر رفع ویرانی برنیامد. اردشیر دوم (۳۵۹-۴۰۴ پیش از میلاد) که پادشاهی وی نسبتاً طولانی بود علاوه بر رفع شورش و فتنه‌های بی‌شمار بخش عمده‌ای از ثروت خویش را صرف ایجاد کاخ‌ها و بناها و تأسیسات کرد، از جمله کاخ آپادانای شوش را بازسازی کرد. در این مورد کتیبه‌ای از اردشیر دوم در سال ۱۸۵۲ توسط لوفتوس به دست آمده است که در آن اردشیر به صراحت به زمان آتش‌سوزی و بازسازی کاخ اشاره می‌کند. ۴۹

### کاخ شائور

در سمت غربی رودخانه شائور در سالهای اخیر کاخ جدیدی کشف شد که به سبب همجواری با این رودخانه امروزه به همین نام مشهور است. این کاخ دارای تالاری به اندازه‌های  $۳۴/۶۰ \times ۳۷/۵$  متر و تأسیسات جنبی است. تالار ستون‌دار دارای ۶۴ ستون در ردیف ۸ تایی است. در سمت شمالی ایوانی است که دو ردیف ستون ۵ تایی است. پایه

در بخش‌های پیشین اشاره شد که داریوش کاخ خود را روی تپه آپادانا بنا کرده است ولی تأسیسات دیگر درباری و مساکن درباریان بر دو تپه دیگر یعنی «ارگک» و «شهر شاهی» گسترده بود. بر این اساس دیواری عظیم بر گرداگرد شهر (تپه‌های سه گانه) ساختند که در فواصل معین برج‌هایی نیز تعبیه شده بود در نقاط مختلف درهای ورودی و خروجی چندی نیز کار گذاشته شده بود لکن در اصلی در سمت شرق و در بخش تپه شهر شاهی ایجاد شده بود که دارای اتاق‌های چندی در طرفین دروازه بوده است. ۵۳

از این فضای گسترده دوره هخامنشی شوش، اطلاعات ما منحصر به آپادانا و تأسیسات الحاقی آن است، در شهر شاهی حفاری زیادی صورت نگرفت. فقط دو کاخ کوچک که یکی روبروی دروازه آپادانا به نام «هدیش» و دیگری «دژ» که در جنوب این تپه قرار دارد و دروازه شهر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

### آپادانا

در چهار کیلومتری شمال شرق شوش دیولافوا بنای کوچکی از دوره هخامنشی را حفاری کرده که آن را آپادانا نامگذاری کرده است. بنابر اعتقاد برخی از باستان‌شناسان این بنا می‌بایست بنای معبد باشد. این ساختمان بنایی است حدود ۳۰ متر عرض و ۴۵ متر طول بسیار ساده با نقشه‌ای زیبا. در جلو یک تالار ستون‌دار با چهار ستون و در پشت آن تالار دیگری برای اجرای مراسم. در اطراف این تالار اتاق‌ها و راهروهایی نیز ساخته بودند. این معبد که جزو معابد انگشت‌شماری است که از دوره هخامنشی شناخته شده احتمالاً در دوره اردشیر دوم بر پا شده است. ۵۴ آنچه که از دوره هخامنشی شوش گفته شد بیشتر مربوط به ساختمان‌ها و کاخ‌ها و تأسیسات بوده است. از این محوطه‌ها آثار دیگری نیز به دست آمده که از آن جمله است کتیبه‌ها و سکه‌های متعدد و نیز مجسمه داریوش.

### مجسمه داریوش

در سال ۱۳۵۱ ضمن خاکبرداری در قسمت شرقی آپادانا که دروازه این مجموعه از کاخ‌ها بوده است به یک

مجسمه سنگی از داریوش برخوردار شد که هم‌اکنون در موزه ایران باستان نگهداری می‌شود. مجسمه ایستاده است و ردایی بلند در بر کرده که چین و شکن فراوان دارد. در روی کمر مجسمه کمربندی بسته شده است که در جلو گره خورده و خنجری نیز به آن آویخته است. دست چپ بر روی سینه و دست راست آویخته و آزاد است.

مجسمه مزبور متأسفانه فاقد سر است و از چهره و قیافه صاحب مجسمه ناآگاهیم. بر روی لباس کتیبه‌هایی دیده می‌شود که به خط و زبان بابلی، ایلامی، هیروگلیف مصری و فارسی باستان است و جملگی دارای یک مضمون و پیام هستند و آن معرفی صاحب مجسمه یعنی داریوش است.

مجسمه بر روی پایه‌ای به شکل مکعب مستطیل استوار است که در جلو و عقب این پایه نشانه وحدت دو مصر (علیا و سفلی) کنده شده و در طرفین آن کتیبه‌ای به خط هیروگلیف مصری نقر شده است. در بدنه راست و چپ این پایه نقش نمایندگان بیست و چهار ملت حکم شده که زانو بر زمین زده و دو دست به حالت نیایش بلند کرده‌اند. در زیر هر یک از این نقوش ملیت آنان به خط هیروگلیف نگاشته شده است. ارتفاع کنونی مجسمه ۱۹۵ سانتیمتر است ولی با محاسباتی که انجام گرفته احتمال داده می‌شود که ارتفاع مجسمه ۳ متر بوده باشد که با احتساب ارتفاع پایه ۵۰ سانتیمتری، جمعاً ۳/۵ متر ارتفاع کامل مجسمه است. ۵۵ پایه دارای ۱۰۴ سانتیمتر درازا، ۶۴ سانتیمتر پهنا و ۵۱ سانتیمتر ارتفاع بوده است.

مجسمه کنار ورودی و سمت چپ جبهه غربی بنای دروازه آپادانا تکیه زده بوده است. هر چند در این کاوشها فقط همین یک مجسمه آن هم بدون سر به دست آمد ولی به شواهد بسیار معلوم است که سمت راست مدخل نیز دارای مجسمه دیگری بوده است.

در مورد اینکه این مجسمه در کجا ساخته شده بحث و گفتگو زیاد است. به دلائل گوناگون اینک می‌دانیم که مجسمه در مصر ساخته و پرداخته شده و به شوش آورده شده است. نخست اینکه در کتیبه‌های گوناگون این مجسمه داریوش به صراحت می‌گوید که "به دستور من این مجسمه سنگی در مصر ساخته شد تا اینکه در آینده هر که آن را ببیند، بداند که مرد

پارسی مصر را تسخیر کرده است.<sup>۵۶</sup> در ثانی با مطالعات گوناگون آزمایشگاهی که بر روی سنگ صورت گرفت تقریباً به این نتیجه رسیدند که این نوع سنگ نه از ایران بلکه از آن مصر است. ۵۷ دلیل سوم نوع کار و هنر مجسمه‌سازی است که آن هم شباهت به کارهای مصری دارد. سببهای وحدت دو مصر علیا و سفلی هم مؤید این نظر است.

### شوش بعد از هخامنشیان

۳۳۰ تا ۲۵۰ پیش از میلاد

شوش در حمله اسکندر صدمات فراوان دید و در دوره جانشینانش نیز از اهمیت و اعتبار سابق افتاد. سلوکیها پادگانی در شوش ساخته بودند که سربازان یونانی در آن مستقر شده بودند. در همین سالها است که مرکزیت دولت سلوکی به بابل و آسیای صغیر منتقل شد تا به مرور شوش که مرکز دولت هخامنشی بود از اذهان محو و زوده شود. در سال ۱۳۵۴ نگارنده کاخ هخامنشی «هدیش» را خاک برداری نمود. در حفاری مشخص شد که این کاخ دارای دو تالار و چند اتاق بوده است. در دوره سلوکیها با افزودن دیوارهایی تالارها تبدیل به اتاقهای کوچکتر شد. متأسفانه مدارک کافی از آپادانا و تالارهای آن در دست نیست تا از سرنوشت این بناها در این دوره آگاه شویم.

از دوره سلوکی در شوش تعداد نسبتاً زیادی مجسمه و پایه مجسمه و دیگر آثار از جنس سنگ، سفال، فلز و ... به دست آمد که منشأ یونانی دارند و یا با الهام از هنر یونانی در ایران ساخته شده‌اند. کتیبه‌هایی نیز به خط و زبان یونانی کشف شده است.

### شوش در دوره اشکانیان

۲۵۰ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی

شوش در دوره اشکانیان یکی از استانهای مهم این دولت محسوب می‌شد. اشکانیان تلاشهایی برای یونانی زدایی کردند و سرانجام نیز پس از گذشت یکی دو سده تا اندازه‌ای موفق شدند. شوش هر چند اعتبار دوره هخامنشی را باز نیافت ولی نسبت به دوره سلوکی وضع بهتری یافت.

از دوران اشکانی کتیبه‌ها و نقوش برجسته و مجسمه‌هایی باقی مانده است. نقش برجسته «اردوان پنجم» که بر تخت نشسته و فرمانی را به ساتراپ (استاندار) شوش می‌دهد از آن جمله است. سر مجسمه یک مرد ناشناس که ریش دارد و هم چنین سر مجسمه ملکه «موزا» همسر رومی «فرهاد چهارم» (۲ پیش از میلاد تا ۲ میلادی) نیز از آثار پرارزش مجسمه‌سازی دوره اشکانیان است.

روی هم رفته نقوش برجسته و مجسمه‌های این دوره بیشتر ویژگیهای هنر شرق را به نمایش می‌گذارد لکن مجسمه‌ها ضمن حفظ خصیصه‌های هنر شرق ویژگی هنر یونان را نیز به همراه دارند.

از دوره اشکانی گورستانهای متعددی کشف شد که نخست نشانگر تراکم جمعیت در این دوره است و دوم اینکه بخشی از معتقدات مذهبی مردمان این عصر را نشان می‌دهد. صرف نظر از گورستانهایی که در محوطه شوش کاوش شده‌اند از دو گورستان دیگر در اطراف شوش آشنایی داریم: یکی محوطه‌ای کنار جاده اندیمشک/اهواز در تقاطع با جاده شوش، با تابوتهای سفالی لعابدار و دیگری در جنوب غربی شوش با فاصله سه کیلومتر در نقطه‌ای به نام حسین آباد که تابوتهای سنگی در آن دیده و کاوش شده است.

### شوش در دوره ساسانی

۶۵۱-۲۲۴ میلادی

شوش در اوائل این دوره از موقعیت نسبتاً خوبی برخوردار بوده است. در دوره ساسانی علاوه بر گسترش شهر، شهرهایی همچون جندی شاپور یا گند شاپور، ایوان کرخه و شهرهای دیگری را نیز به وجود آوردند. اهمیت شوش در دوره ساسانیها به آن اندازه بود که در آن ضرابخانه ایجاد کرده‌اند.

شوش در زمان شاپور دوم به علت شورش میحان به طوری دچار ویرانی و آتش سوزی شد که پادشاه ساسانی با اعزام لشکری شورش را سرکوب کرد. شهر پس از این واقعه دیگر رونق گذشته خود را به دست نیاورد. ۵۸

ساختمانهای شوش در دوره ساسانی مانند بناهای

اهمیت بسیار دارد. شاید این تنها کارگاه صنعتی از این دست باشد که مورد شناسایی قرار گرفته است.

شوش از سده چهارم هجری رو به ویرانی نهاد تا سرانجام در سده های هفتم و هشتم هجری به کلی متروک شد و حیات در آنجا به رفت و آمد زائرین بقعه دانیال نبی منحصر شد.

### بقعه دانیال نبی

بقعه دانیال نبی در ساحل شرقی رودخانه شاتور و روبروی تپه ارگ قرار دارد. بنای زیارتگاه شامل دو حیاط است که دورتادور آن حجره ها و ایوانهایی ساخته شده است. بقعه دانیال در انتهای حیاط دوم که بزرگتر و وسیعتر است قرار دارد. بر روی ضریح آن گنبدی بلند و مخروطی پله ای ساخته شده است که نوع رایج گنبد های منطقه است که نظایر آن در جنوب غربی ایران بسیار دیده می شود.

### کاوشهای ایرانیان

کاوشهای شوش از سال ۱۸۸۲ تا سال ۱۹۷۹ میلادی توسط فرانسویان صورت گرفت، لکن پس از انقلاب اسلامی ایران و خروج خارجیان از ایران در زمستان سال ۱۳۶۱ یک گروه از باستان شناسان مرکز باستان شناسی ایران به سرپرستی نگارنده در این محوطه باستانی پراهمیت مستقر شد. هدف این گروه روشن ساختن چگونگی جبهه غربی دیواره تختگاه آپادانا و کیفیت و کمیت آثار حد فاصل لبه خیابان اصلی شهر شوش بود. هر چند این کاوشها پانگرفت و ادامه نیافت، ولی گروه در طی همان یک فصل کاوش به آگاهیهایی دست یافت. به طور مختصر گروه در این قسمت به چهار دوره برخورد کرد. دوره اول احتمالاً مربوط به قرن هفتم هجری، دوره دوم سلجوقی، دوره سوم پارتی و دوره چهارم هخامنشی است. چشمگیرترین اثری که در این کاوش مورد شناسایی قرار گرفت کشف کوره آجرپزی از دوره دوم (سلجوقی) است که در مطالعه صنعت آجرپزی در خور توجه زیاد است. اطلاعاتی که از جهت چگونگی دیواره تختگاه به دست آمد دارای ارزش فراوان است. گروه باستان شناسی شوش امیدوار

دیگر این زمان دارای نقاشیهای جالب توجهی بوده است. از جمله در طبقه سوم کاوش گیرشمن در شهر شاهی بنایی حفاری شده که ۱۴ x ۱۴ متر طول و عرض دارد. بنا شامل یک تالار ستون دار با سه راهرو در اطراف آن بوده است. تالار سه دروازه داشته است. روی دیوارها نقاشی شده بود که منظره شکار را نشان می دهد. بدین سان که یک سوارکار به سمت یک گله حیوان تیراندازی می کند. ۵۹ و این دقیقاً همان منظره شکارگاه است که در نقوش برجسته ساسانی نیز دیده می شود.

### شوش در دوره اسلامی

شوش در سال ۶۴۰ میلادی یعنی حدود ۲۰ هجری قمری به تصرف سپاهیان اسلام درآمد. در این زمان شوش هنوز نتوانسته بود پس از ویرانی زمان شاپور دوم قد راست کند و رونق گذشته را بازیابد ولی متروک هم نبود و دارای جمعیتی در خور بود. در این زمان گسترش شهر بیشتر در قسمت شهر صنعتگران بوده است. هر چند در این قسمت کاوشهای زیادی صورت نگرفت ولی از همان مقدار کاوش آثار جالب توجهی ظاهر شد که از آن جمله است مسجد نسبتاً بزرگی که احتمالاً مسجد جامع شهر بوده است. این مسجد در حدود ۶۰ x ۷۰ متر طول و عرض داشته است. در وسط مسجد حیاطی وجود داشته که گرداگرد آن شبستان ستون داری ساخته شده بود که در سمت قبله سه ردیف ستون و در سه سوی دیگر دو ردیف ستون داشته است و احتمالاً در گوشه شمال غربی مناره ای گرد داشته است.

قدمت این مسجد را با استناد به شواهد معماری و باستان شناسی مربوط به سده های سوم یا چهارم هجری دانستند. اما با کاوشهایی که در سالهای اخیر در این مسجد صورت گرفت به این نتیجه رسیدند که در زیر این بنا مسجد کهنتری از نخستین سده هجری وجود داشته است.

مورخین و جغرافیانویسان عصر اسلامی این شهر را مرکز تجارت پارچه و نیشکر و دیگر اقلام تجاری دانسته اند. در کاوشهای کاخ هخامنشی شاتور در لایه هایی که مربوط به دوره اسلامی است به یک کارگاه تصفیه نیشکر برخورد شد که دارای ویژگیهایی است که برای مطالعه این صنعت در گذشته

محوطه معلوم نیست و حرّیه نام فعلی این منطقه است.

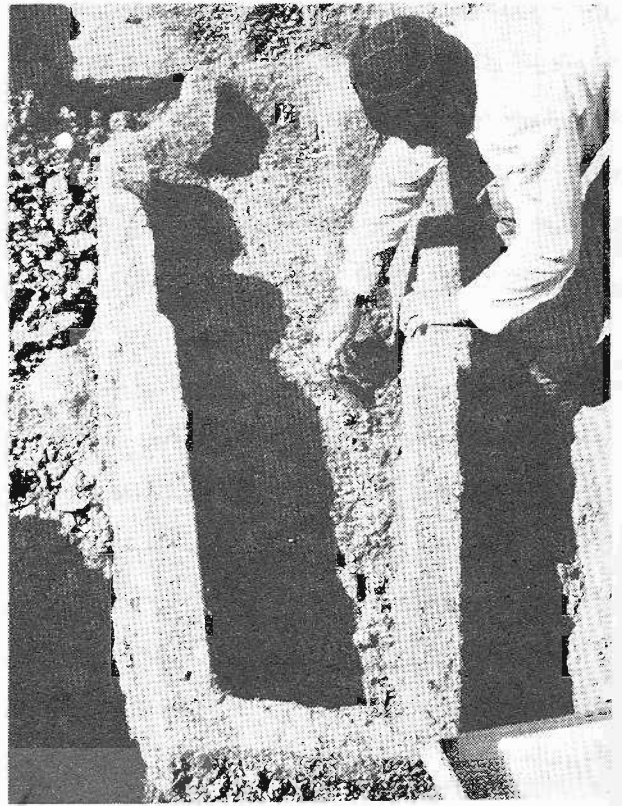
حرّیه در کنار رود دز واقع شده و از دو قسمت تشکیل می‌شود. قسمت اول محوطه‌ای است بسیار پهناور که به ظاهر تپه ماهورهای طبیعی می‌نماید ولی در سطح محوطه قطعات سفال دیده می‌شود که مربوط به دوره‌های گوناگون فرهنگ منطقه است. قسمت دوم که بیشتر مورد نظر است، قسمت‌هایی است که کنار رود دز واقع شده که بر اثر طغیان رودخانه بریده شده و به صورت پله‌ای درآمده که نسبت به سطح تپه بین ۵ تا ۷ متر پایین‌تر است. درازای این قسمت شاید بیش از ۵۰۰ متر باشد و عرض آن هم یکسان نبوده حداکثر به سی متر می‌رسد. سطح این قسمت برخلاف قسمت نخست پوشیده از سفال و آجر است، سفالها یک دست و یقیناً مربوط به یک دوره است. هر چند سفال ظریف کمتر در بین آنها دیده می‌شود ولی دارای تنوع فراوان است. در چهار نقطه به دهانه چاه برخورد شد که یک متر از کف زمین بالاتر است که از پاره آجر ساخته شده است. در روی پله قطعات سالم و شکسته آجر به فراوانی دیده می‌شود. از لابلای آنها چهار پاره آجر دارای خطوط میخی یافت شد. هر چند هنوز از محتوای خطوط آگاهی نداریم ولی از آنجایی که نوع آجر، نوع خط و تعداد سطرهای نوشته شده بر آجر و حتی روش نگارش از هر جهت مانند آجرهای نوشته شده چغازنبیل است، «گروه باستان‌شناسی شوش» معتقد است که این آثار بدون شک به قرن «اوتناش‌گال» تعلق دارد. مضافاً اینکه این محوطه بیش از ۵ کیلومتر (روی جاده) با چغازنبیل فاصله ندارد.

### ایوان کرخه

ایوان کرخه از شهرهای دوره ساسانی است که سر راه اندیمشک به دهلران واقع شده است. شهر دارای ۴×۱ کیلومتر وسعت است که در زمان شاپور دوم (۳۷۹-۳۱۰ میلادی) ساخته شد.

گیرشمن در سال ۱۹۵۰ میلادی در این شهر دست به کاوش زد که بقایای معماری آن را آشکارتر ساخت. پیش از وی مارسل دیولافوا بر اساس آثار برپا طرحی ارائه داده است که پس از وی بخشهایی از آن آثار ویران گردید.

ویژه‌نامه گردهم‌آیی باستان‌شناسی / ۱۳۳



۱۰ - نمونه‌ای از تابوتهای سنگی یافت شده در گورستان حسین‌آباد شوش.

است با ادامه کاوشهای شوش به نتایج ارزنده‌ای دست یازد.

### شوش پس از ویرانی

در سال ۱۸۸۲ که اولین گروه باستان‌شناسی فرانسوی پای به شوش نهاد به جز بقعه و بارگاه دانیال اثری وجود نداشت. پس از استقرار این گروه و آغاز کاوشهای دامنه‌دار دمرگان و دمکنم و استخدام بیش از هزار کارگر به مرور طرف توجه قرار گرفته و ای بسا همان کارگران که از دزفول و شوشتر و آبادیهای اطراف بودند در همان مکان اسکان یافته و زندگی دوباره در شوش آغاز شد که امروزه حدود بیست هزار نفر جمعیت دارد.

### حرّیه، شهر نوساخته ایلامی:

در سال ۱۳۶۰، سر راه هنت تپه به چغازنبیل محوطه باستانی تازه‌ای شناسایی شد که مربوط به دوره ایلامی میانه و به احتمال قوی از دوره اوتناش‌گال است. نام ایلامی این

جمله کارگاه‌های بافندگی بوده است. در اوائل دوره ساسانی ایران فقط گذرگاهی بود برای گذشتن کاروانهای ابریشم به غرب، ولی پس از آنکه شاپور دوم سوریه را به تصرف خود درآورد، صنعتگران سوریه‌ای را به ایران منتقل و کارگاههای وسیع بافندگی در شهرهای مختلف ایران به ویژه در خوزستان و از جمله در ایوان کرخه دایر کرد که از آن پس به جای صدور ابریشم خام پارچه‌های ابریشمی بافته شده صادر می‌شد.

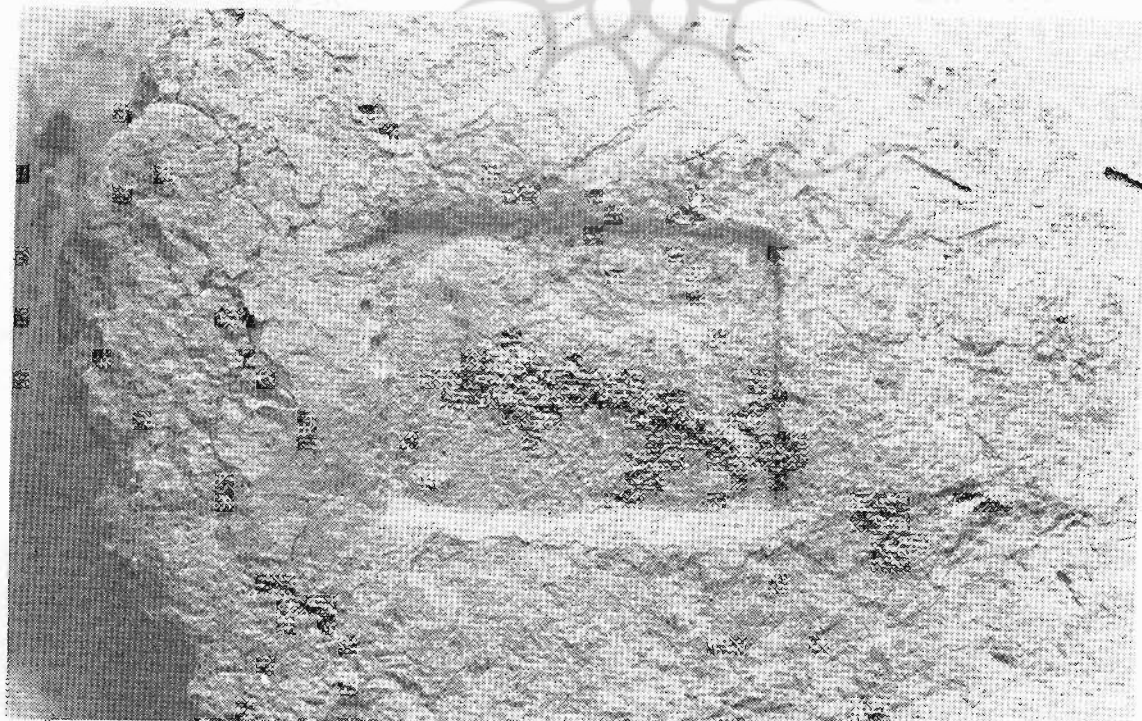
ایوان کرخه از جهات مختلف موضوع بحث پژوهشگران و باستان‌شناسان به ویژه معماران بوده است. عده‌ای از معماران با توجه به آثار معماری بر جای مانده، آنرا یکی از سرمشأهای معماری گوتیک اروپا می‌دانند و برای اثبات نظریه خویش دلائل علمی و فنی زیادی ارائه می‌نمایند؛ در مقابل عده‌ای دیگر با این فرضیه مخالفت نموده و آن را بی‌اساس می‌دانند. ۶۳ به هر حال آثار معماری و شهرسازی ایوان کرخه تأثیر زیادی بر معماری ایران و به احتمال زیاد خارج از ایران داشته است.

شهر را باروی مستحکمی در بر گرفته بود که این بارو با خشت ساخته شده بود. گیرشمن که در دو نقطه این شهر به کاوش پرداخته می‌نویسد: «پس از ویران شدن شوش، شاپور دوم در ۲۵ کیلومتری بالای شوش بر ساحل راست کرخه یک شهر جدید شاهی از نو بنا کرده که نام جدید آن ایوان کرخه است. طرح شهر به روش غربی [یعنی اصول شهرسازی رومی] است. شهر شکل مستطیلی است که چهار کیلومتر طول و یک کیلومتر عرض آن است. کاخ که با آجر و ساروج ساخته شده مرکب از یک تالار چهارگوش که گنبدی آن را پوشانیده است و یک بال دراز به آن می‌پیوندد که به وسیله طاقهایی که از دیواری به دیوار دیگر زده شده و برای مقاومت در برابر فشار طاقهای گهواره‌ای عرضی تخصیص یافته، به ۵ بخش تقسیم شده است.» ۶۱

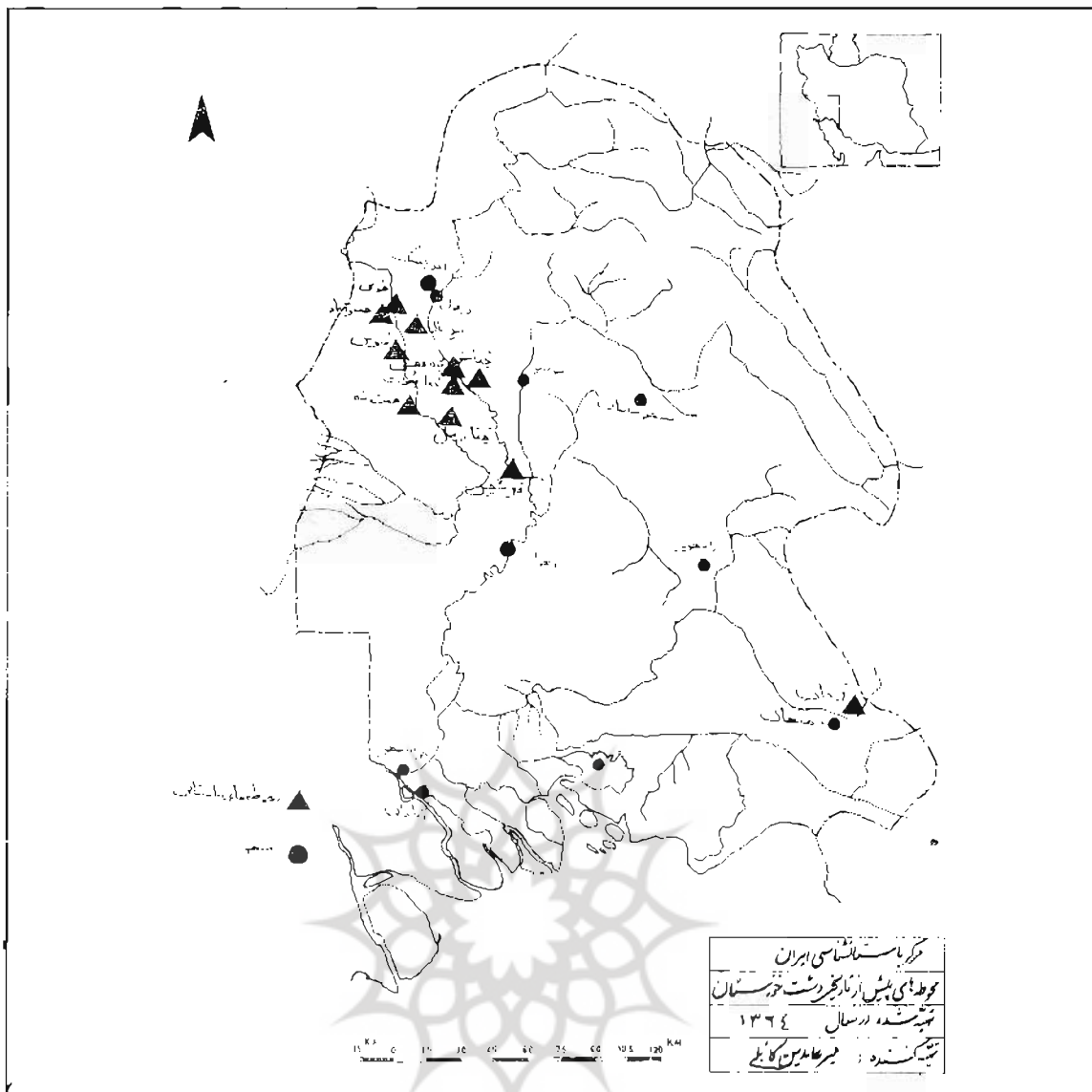
در این شهر کاخ یا کوشک دیگری نیز حفاری شد که دارای سه ایوان است که قسمت مرکزی آن ۸ × ۱۲ متر وسعت داشته است. نکته قابل توجه در این بنا نقاشی دیواری آن است. ۶۲

ایوان کرخه دارای همه گونه تأسیسات شهری از آن

۱۱ - نمونه‌ای از آجرهای زیر تابوت سنگی گورستان حسین‌آباد شوش.







۱۲- نقشه آثار پیش از تاریخی دشت خوزستان.

### جندی شاپور

از شهرهای دیگر دوره ساسانی جندی شاپور است که در سال ۲۶۰ میلادی به دستور شاپور اول (۲۷۲-۲۴۱) ساخته شد.

در سال ۲۶۰ شاپور در جنگی بر والرین ۶۴ امپراتور روم چیره شد. او هفتاد هزار نفر از سپاهیان امپراتور را به اسارت گرفت. شاپور این اسیران را به چند گروه تقسیم کرده و هر دسته‌ای را مأمور ساختن شهرها و راه‌ها و پلها و سدها کرد. از آن جمله گروهی در جندی شاپور استقرار یافتند و به بنای این شهر همت گماشتند. این شهر در ۱۸ کیلومتری جنوب شرقی دزفول و ۵۰ کیلومتری شوشتر واقع شده است.

شهر به شکل مستطیل و شطرنجی یعنی دارای ۸ خیابان طولی و ۸ خیابان عرضی بوده است. با توجه به استفاده از اسیران رومی در بنای این شهر، اصول شهر سازی رومی در ایجاد آن رعایت شد که به شهر بیشتر شکل اردوگاه نظامی بخشیده است.

مورخین دوره‌های اسلامی ضمن توصیف جندی شاپور آن را مشابه صفحه شطرنج دانسته‌اند و شهر را شبیه شوش و شوشتر تعریف کردند. این شهر از دیدگاه‌هایی چند دارای اهمیت بوده است. اولاً به علت موقعیت جغرافیایی کشاورزی پر رونق داشته و به ویژه کشت نیشکر رواج کامل داشته است. دوم اینکه برای

پالایش نیشکر، بدهی است کارگاه‌های تصفیه شکر هم در این شهر به فراوانی دایر بوده است. علاوه بر این کارگاه‌ها تأسیسات صنعتی دیگر از قبیل کارگاه‌های بافندگی به ویژه پارچه‌های ابریشمی و قلابدوزی در شهر دایر و کارشان پر رونق بوده است. سومین اهمیت جندی شاپور در وجود مؤسسات علمی بوده است. مورخان دوره اسلامی چون ابوالفداء، ابن ندیم و دیگران مطالب زیادی در این باره نوشته‌اند. بر این اساس در دوره ساسانیان در جندی شاپور دانشگاه بزرگی تأسیس شد که در آن دانشکده‌های پزشکی، داروسازی و داروشناسی، ستاره‌شناسی، ریاضیات، موسیقی، فلسفه و اخلاق و کشاورزی دایر بوده و دانشمندان زیادی در

آنها به آموزش و پژوهش می‌پرداختند. در کنار دانشکده پزشکی بیمارستان بزرگی تأسیس شده بود که در آن ضمن آموزش دانشجویان به درمان بیماران نیز پرداخته می‌شد. بیشترین آبادانی و رونق شهر در دوره انوشیروان (۵۷۸-۵۳۱ میلادی) است. در زمان وی شهر گسترش بیشتر یافت و مؤسسات علمی و درمانی آن نیز گسترده‌تر شد و اعتبار بیشتری یافت. مراکز علمی دارای محل درآمد ثابت و بیشتری شد. در این زمان است که هفت تن از فیلسوفان آتن و اسکندریه که به علت سختگیری و سوء رفتار ژوستینین (۵۱۵-۵۲۷ میلادی) امپراتور روم شرقی در موقعیت سختی به سر می‌بردند در سال ۵۲۹ میلادی به تیسفون آمده و در ۱۳- جدول برابری فرهنگهای دشت خوزستان و منطقه دهلران براساس کاوشهای جعفرآباد (۸۰-۱۹۷۱ میلادی).

تاریخگذاری	سده هجری	مردای بستانی										
		دهستان					دشت خوزستان					
		نیش	چابکده	نیش	مخ آید	خبرآباد	جری	بندول	نیش	چابکده	نیش	نیش
۲۹۰۰	فرخ آباد				A 23-31	1 2		10 11	25 26	سوزیانا سوزیانا	سوزیانا سوزیانا	1
۳۱۰۰				B 37-47	3 11 13			27			2	
۳۳۰۰	بیت				A 33-36	دوقفه			14 15 16 17 18 19 20			3
								21 22				4
۳۵۰۰								23 24 25	سوزیانا سوزیانا	سوزیانا سوزیانا	5	
۳۸۰۰	جهید							26 27				6
۳۹۰۰	قرینه							28 29				7
۴۱۰۰								30 31				8
۴۳۰۰	سبزه							32 33				9
								34 35				10
۴۵۰۰	چامای بروندن							36 37				11
								38 39				12
۴۷۰۰	سرخ							40 41				13
								42 43				14
۴۹۰۰	سفید							44 45				15
								46 47				16
۵۱۰۰	موجسره							48 49				17
								50 51				18
۵۳۰۰	مکس بزرگ							52 53				19
								54 55				20

بروزن : D.A.F. 1-13 : ۱۳۶

جندی شاپور اقامت گزیدند. علاوه بر این حکما، دانشمندان و پزشکانی از هند نیز در جندی شاپور بودند.

برای استفاده این مراکز علمی و درمانی کتابهای فراوانی از هند، چین، روم و یونان را در زمینه فلسفه و علوم گردآوری و به زبان پهلوی برگرداندند. پس از گسترش اسلام در ایران این کتابها به عربی ترجمه و مورد استفاده دانشمندان دوره اسلامی قرار گرفت و مؤسسات علمی و فنی آن هم به کار خویش ادامه می دادند.

در دوران ساسانی به علت اقامت مسیحیان بویژه نسطوریان و آزادی عملی که در اجرای مراسم مذهبی خود داشتند، معابد و کلیساهایی در این شهر برایشان ساخته شد.

جندی شاپور در سال هفدهم هجری به تصرف نیروهای زیر فرماندهی ابوموسی اشعری درآمد. در سال ۲۶۵ هجری یعقوب لیث پس از یک اقامت نسبتاً طولانی به علت بیماری در جندی شاپور درگذشت و جسدش نیز در همین مکان به خاک سپرده شد.

در سده های نخستین دوره اسلامی جندی شاپور هم چنان آباد و پرجمعیت بوده است لکن امروزه از آن شهر پر جنب و جوش و پر رونق اینک فقط آبادی کوچکی برجاست که به شاه آباد معروف است. مشخصه این آبادی بقعه ای است به نام شاه ابوالقاسم. این بقعه دارای گنبدی است مخروطی پله ای همانند آنچه که در مورد مقبره دانیال گفته شد. اخیراً برخی از پژوهشگران این مزار را از آن یعقوب لیث دانستند. اما باید در نظر داشت که کینه یعقوب ابوالقاسم نبوده است و اصولاً یعقوب همسری اختیار نکرده بود تا فرزندی قاسم نام داشته باشد. از سوی دیگر به نظر می رسد ابتدا می بایست در مورد شاه ابوالقاسم به تحقیق پرداخت شاید این شخص خود دارای شخصیتی مذهبی، علمی یا تاریخی بوده باشد.

این شهر تا اواخر قرن چهارم هجری آباد بوده است ولی در این تاریخ بنابه نوشته صاحب کتاب حدود العالم بر اثر هجوم طوایف و قبایل مختلف از رونق افتاده و اعتبار خود را از دست داد. ۶۵

حاصل این گمنام فشرده اینکه دشت سرسبز خوزستان در گذرگاه تاریخ طی حدود نه هزار سال حوادثی را به خود

دیده و ماجراهایی را پشت سر گذاشته است. در این هزاران سال پر نشیب و فراز فرهنگهایی را نیز در دامن خود پروراند. هم چون فرهنگهای سوزیانا، شوش یک، دوران پیدایش خط، ایلام، هخامنشی، اشکانی، ساسانی و سده های نخستین اسلامی که تعداد زیادی از این فرهنگها به اقصی نقاط گیتی گسترده شده و بر دیگر فرهنگها اثر گذاشته است.

در این سرزمین مردمانی می زیستند که ضمن به وجود آوردن فرهنگهای درخشان در وقت لزوم با اقوام مهاجم به سختی روبرو گردیده و اگر گاهی افرادی چون آشور بانی پال یا اسکندر به صورت ظاهر با قهر و خونریزی بر آنان غالب شدند ولی این مردمان با فرهنگ غنی خود آنان را مستحیل و از بین برده و فرهنگ تحمیلی شان را نیز به دنبالشان نابود ساختند.

#### پی نوشتها:

۱- بر طبق بررسیهای انجام شده مقدار رسوبات رودخانه کارون در منطقه اهواز حدود ۳۳۸۰ تا ۸۰۰ سال بوده است. رجوع شود به عبدالمحمد زهره بخش، ژئوشیمی خشتهای قدیمی منطقه هفت تپه معبد چغازنبیل، (سازمان زمین شناسی کشور ۱۳۶۴) ص ۳۰.

2- R. Mc Adams. "Agriculture and Urban Life in Early Southwestern Iran", *Science* 136, 1962, pp. 109-122

3- P. de Miroshedji. "Prospection Archéologiques au Khuzistan en 1977", *DAFI*, no.12, 1981, pp.169-192.

4- L. Le Berton. "The Early Periods at Susa. Mesopotamian Relation", *Iraq*, XIX : 1957, pp.79-124

5- G.Dollfus. "Les fouilles Djaffarabad de 1969 à 1971. *DAFI*, 1, no. pp. 17-162

6- F. Hole and K.V. Flannery and J.A. Neely, *Prehistory and Humand Ecology of the Dehloran Plain, and Early Villaga Sequence from Khuzistan, Iran*, *Memories of The Museum of Anthropology, University of Michigan*, No. 1, 1969

7- Acropole 8- Apadana 9- Ville Royale 10-Ville des Artisans

- ۴۸- ت، ا، ت، اوستد. تاریخ شاهنشاهی هخامنشی. ترجمه محمد مقدم (تهران، ۱۳۴۰)، چاپ نخست، ص ۲۲۸.
- ۴۹- محمود، کردوانی. کاخ هخامنشی شاتور. (۱۳۵۶) ص ۱۲۶.
- ۵۰- کردوانی، همان مأخذ. ص ۸۴.
- ۵۱- کردوانی، همان مأخذ. صص ۷۷ و ۷۹.
- ۵۲- کردوانی، همان مأخذ. ص ۷۵.
- 53- J. Perrot. "L'architecture militaire et palatiale achéménides à Suse". *Sonderdruck aus 150 Jahre Deutsches Archäologisches Institut 1829-1979*, Mainz, 1982, p.81.
- ۵۴- آندره، گذار. هنر ایران، ترجمه بهروز حبیبی (تهران، دانشگاه ملی، ۱۳۵۸ چاپ دوم)، ص ۱۸۸.
- 55- D. Stronach. "La Statue de Darius le Grand Découverte à Suse", *DAFI*. no.4, 1974, P.61.
- 56- F. Vallat. "Les textes cuneiformes de La statue de Darius". *DAFI*. no.4, 1974, p. 162.
- 57- J. Trichet et P. Poupet. "Etude petrographique de la roche constituant de la statue de Darius. découverte à Suse, en decembre 1972 *DAFI* no. 4. p.59.
- ۵۸- لویی واندنبرگ، همان مأخذ. ص ۸۲.
- ۵۹- لویی واندنبرگ. همان مأخذ. ص ۸۲.
- ۶۰- این محوطه نخستین بار به وسیله آقای احمدی نگهبان معبد چغازنبیل مشاهده و به اداره ارشاداسلامی شوش گزارش شد. در زمستان ۱۳۶۱ گروه باستان‌شناسی شوش به معرفی و همراهی آقای ناصر ترکی ضمن بازدید از این محوطه به بررسی اولیه پرداخت که در آینده با توجه به اهمیت محوطه می‌بایست مطالعات بیشتری در آن صورت پذیرد و در صورت لزوم به کاوش در آن دست یازید.
- ۶۱- رمان، گیرشمن. هنر ایران در دوره پارت و ساسانی. ترجمه بهرام فروشی. (تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰). ص ۱۷۹.
- ۶۲- لوئی واندنبرگ. همان مأخذ. ص ۶۸.
- ۶۳- آندره، گذار. هنر ایران. ترجمه بهروز حبیبی (تهران، دانشگاه ملی، ۱۳۵۸) چاپ دوم، صص ۳۱۱-۳۲۴.
- 64- Valérién
- ۶۵- در نوشتن مطالب این بخش از منابع زیر استفاده شد:
- حسینعلی، ممتحن. «دانشگاه جندی شاپور در خوزستان و سوابق علمی آن». (دانشگاه اهواز، ۱۳۴۸)
- سید محمدعلی، امام شوشتری. دانشگاه شاپورگرد مجله بررسیهای تاریخی شماره ۱ و ۲ و ۳، سال چهارم، نشریه ستاد بزرگ ارتشاران.

- ۱۱- عزت‌الله، نگهبان. «مقدمه‌ای بر تمدن و تاریخ ایلام» تاریخ، تشریح گروه آموزشی تاریخ، (۱۳۵۶ تهران)، ص ۱۰۹.
- 12- Simaški 13- Awan 14- Anzan
- 15- Anšan 16- Aratta
- 17-F. Vallat, *Suse et l'Elam*, Paris 1980, Editions, D.P.F.
- 18- Ebarti 19- Tepti-Ahar
- ۲۰- دوران تاریک به دوره‌هایی گفته می‌شود که در کاوشهای شوش اطلاعات زیادی از این دوران به دست نیامده است. چنین به نظر می‌رسد که کاوشهای چندین ساله هفت تپه روشنائی بخش دوران دوم تاریک تاریخ ایلام باشد.
- 21- Ige-halki 22- Šutruki
- ۲۳- برداشته از کتاب «هفت تپه» نوشته عزت‌الله نگهبان، تهران ۱۳۵۱. وزارت فرهنگ و هنر صص ۸ تا ۱۰، ۲۲ و ۲۳.
- 24- Kiten-Hutran
- ۲۵- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:
- اسماعیل، یغماتی، «بررسی و کاوش در ارجان بهبهان»، نمونه‌هایی از فعالیت‌های پژوهشی، حفظ، احیاء و معرفی میراث فرهنگی پس از انقلاب اسلامی ایران (تهران، ۱۳۶۲)، ص ۱۵.
- فائق توحیدمی و علی محمد خلیلیان. «گزارش بررسی اشیاء آرامگاه ارجان - بهبهان» اثر، شماره‌های ۷ و ۸ و ۹ (۱۳۶۱)، تهران. سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، صص ۲۳۲-۲۸۸.
- ۲۶- پیر، آمید. تاریخ عیلام. ترجمه شیرین بیانی. (تهران ۱۳۴۹، دانشگاه تهران)، شکل شماره ۲۵ و زیرنویس آن.
- ۲۷- پیر، آمید. همان مأخذ. تصویر شماره ۸۹.
- 28- Hammurabi یا Hammurapi
- 29- Šutruk-Nahunte 30- Ašurbanipal
- 31- Naramsin 32- Akkadian 33-Sargon
- 34-Lullabi 35- Šamaš
- 36- M.E.L. Mallowan. *Early Mesopotamia and Iran*, London, 1965, p. 108
- 37- Napira-Asu 38- Untaš-Gal 39- Ninhursag
- ۴۰- پیر، آمید. همان مأخذ. شکل ۸۷.
- 41- Kudurru
- 42- Nazimaruttaš II 43- Kaštiliaš III
- ۴۴- لویی، واندنبرگ. باستان‌شناسی ایران باستان. ترجمه عیسی بهنام (تهران، ۱۳۴۵، دانشگاه تهران)، ص ۷۹.
- 45- Ašnunak
- 46- Šilhak-Inšušinak
- ۴۷- پیر، آمید. همان مأخذ. ص ۶۳.